

## رابطه مدیریت بدن و سبک‌های هویت فردی و اجتماعی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۷

مهوش رقیبی<sup>۱</sup>  
غلامرضا میناخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین مدیریت بدن با هویت فردی و اجتماعی است. **روش:** برای این منظور نمونه‌ای ۳۸۵ نفری (۱۹۵ نفر دختر و ۱۹۰ نفر پسر) از دانشجویان به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای از تمام دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان انتخاب شده، مورد آزمون و بررسی قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه مدیریت بدن، پرسشنامه هویت اجتماعی و پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G) برزونسکی می‌باشد. **یافته‌ها:** تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مدیریت بدن با سبک هویت اطلاعاتی ( $r=0/119$ )، از سبک‌های هویت فردی ارتباط مثبت معنادار ( $p<0/05$ ) دارد و با سبک‌های هویت هنجاری ( $r=0/082$ ) و سردرگم/اجتنابی ( $r=0/048$ ) ارتباط معناداری ندارد. همچنین مدیریت بدن تنها با هویت ملی ( $r=-0/116$ ) از مؤلفه‌های هویت اجتماعی، ارتباط منفی معناداری ( $p<0/05$ ) دارد و با هویت دینی ( $r=-0/071$ )، هویت جنسی ( $r=0/069$ )، هویت قومی ( $r=0/009$ ) و هویت گروهی ( $r=0/074$ ) ارتباط معناداری ندارد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش به نقش هویت فردی و اجتماعی در رفتارهای مدیریت بدن دانشجویان تاکید دارد. **واژه‌های کلیدی:** مدیریت بدن، هویت فردی، هویت اجتماعی.

<sup>۱</sup> هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، Minakhany@yahoo.com

## Body Management and its Relation with Personal and Social Identity

Mahvash Raghobi, Gholamreza Minakhany

### Abstract

**Introduction:** The present study is aimed to explore the correlation between body management, personal identity and social identity.

**Method:** Statistical population of this research was all students of Sistan and Baluchestan University. 385 students, 190 female and 195 male who were selected through a multi-stage cluster, completed the Body Management, Berzonsky's Identity Styles (ISI-6G), and Social Identity questionnaires.

**Results:** Results of analyzed the data, using Pearson correlation test, revealed a significant positive relationship ( $p < 0.05$ ) between body management and personal identity and its dimension; informational style ( $r = 0.119$ ). There were no significant relationship between body management and normative style ( $r = 0.082$ ) and diffuse-avoidant style ( $r = 0.048$ ). Additionally, there was a significant negative correlation ( $p < 0.05$ ) between body management and social identity and its dimension; national identity ( $r = -0.116$ ). However, there were no significant relationships between body management and religious identity ( $r = -0.071$ ), gender identity ( $r = 0.069$ ), ethnic identity ( $r = 0.009$ ), and group identity ( $r = 0.074$ ).

**Conclusion:** Findings of this research indicate the role of personal and social identity in body management behaviors of individuals.

**Keywords:** Body Management, Personal Identity, Social Identity.

## مقدمه

بدن؛ همواره یکی از مفاهیم پایداری بوده است که در طی تاریخ بشر توجه ویژه‌ای به دستکاری و ساخت آن وجود داشته است. امروزه نیز توجه به زیبایی و جوانی در رسانه‌های جمعی، افزایش علاقه به جوانی و تلاش برای حفظ و تداوم آن (در سال‌های غیر جوانی) و گسترش تکنیک‌های بدن مانند رژیم‌های متعدد غذایی، جراحی‌های زیبایی، ورزش (بدن سازی، ایروبیک و...) همگی این موارد ویژگی‌هایی هستند که در جوامع مدرن و رو به توسعه دیده می‌شوند (حقگوی پشکه، ۱۳۸۶).

با فرا رسیدن عصر جدید، بعضی از انواع نماهای ظاهری بدن و کردارهای بدنی<sup>۱</sup> اهمیتی خاص یافتند. در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی ماقبل جدید، نمای ظاهری بدن به طور کلی تابع استانداردهای مبتنی بر معیارهای سنتی بود. طرز آرایش چهره و انتخاب لباس همیشه تا اندازه‌ای وسیله ابراز فردیت<sup>۲</sup> بوده است. ولی امکان استفاده از این وسیله معمولاً به آسانی فراهم نمی‌آمد یا اصولاً مطلوب نبود. اما در روزگار ما، افراد آزادی عمل بیشتری در مدیریت بدن خویش دارند، هرچند نمی‌توان تاثیر گروه‌های فشار<sup>۳</sup>، آگهی‌های تجاری<sup>۴</sup>، امکانات اجتماعی و اقتصادی که بیشتر در جهت استانداردسازی قدم بر می‌دارند را نادیده گرفت. به عبارت دیگر تاکید فزاینده بر آرایش، جراحی بدن و صورت، رژیم غذایی<sup>۵</sup> و... را می‌توان از اجزای غیر قابل انکار دنیای مدرن دانست.

در دنیای امروز نمای ظاهر به صورت یکی از عناصر مرکزی طرحی درآمده است که افراد به صورت بازتابی از «خود» ارائه می‌دهند. افراد می‌کوشند تا نمای ظاهری و کردار خود را به اقتضای وضع و حال هر نوع محیط هماهنگ سازند. و همین امر است که بعضی مولفان و پژوهشگران را متقاعد ساخته است که «خود» فرد در حقیقت خرد شده و افراد بر حسب ضرورت «خود»های متعددی را در وجود خویشتن پرورش می‌دهند که در هیچ‌یک از آنها اثری از هسته‌ی اصلی هویت شخصی وجود ندارد. ولی بسیاری از دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وضع واقعاً چنین نیست. حفظ عناصر ثابت کردار شخصی در محیط‌ها و مجامع گوناگون و همچنین در کنش‌های متقابل اجتماعی یکی از مهمترین وسیله‌هایی است که به طور معمول انسجام و یکپارچگی هویت شخصی را تامین می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷).

در جامعه امروز سبک‌های هویت شخصی با هویت اجتماعی در تعامل و تقابل هستند، چنان که وقتی فرد در یک هویت اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازد، خود «شخصیت زدایی» می‌شود و به عنوان یک عضو گروه قابل تغییر طبقه‌بندی می‌شود. بنابراین فرضیه، مردم می‌توانند خودشان را به عنوان افرادی در تقابل با دیگران (هویت فردی) طبقه‌بندی کنند یا خودشان را به عنوان اعضای

<sup>1</sup> Bodily actions

<sup>2</sup> Individuality

<sup>3</sup> Pressure groups

<sup>4</sup> Commercial notice

<sup>5</sup> Diet

<sup>6</sup> Depersonalize

گروه در تقابل با اعضای گروه‌های دیگر (هویت اجتماعی) طبقه‌بندی کنند (المرز، اسپیرز و دوسجه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

هویت فردی<sup>۲</sup>، تعریفی است که افراد در مواجهه با سوال «من کیستم؟» به آن پاسخ می‌دهند. طبق این دیدگاه که از نظریه روانی اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸) برگرفته شده است، هویت به مثابه‌ی یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره‌ی معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود از آن استفاده می‌کند (شکری، اسماعیلی، دانش‌پور، غنایی و دستجردی، ۱۳۸۶).

برای مطالعه همسانی و تفاوت‌های فردی در صورت‌بندی هویت<sup>۳</sup>، برزونسکی سه نوع سبک متمایز هویتی را شناسایی کرد. سبک هویت<sup>۴</sup> نمایانگر یک راه‌کار حل مسئله یا مکانیسم انطباق<sup>۵</sup> است. سبک‌های هویت برزونسکی به معنی روش‌هایی است که افراد با فرایندهای حل مسئله، خاصه در باب تصمیم‌هایی که تاثیر مهمی در هویت‌های شخصی‌شان و در مسیر زندگی‌شان دارند، برخورد می‌کنند. برزونسکی<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) به طور ضمنی اعلام کرد که همه‌ی افراد دارای سلامت روانشناختی بایستی قادر به استفاده از هر کدام از این سه سبک در دوره‌ای از زندگی‌شان باشند. سبک هویتی که افراد با آن سازگار می‌شوند نسبتاً ثابت است و در برابر تغییر مقاوم است، چراکه سبک هویت نوعی منش و خصوصیت است تا یک مهارت (شوارتز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱).

هویت اطلاعاتی<sup>۸</sup>، هویت هنجاری<sup>۹</sup> و هویت سردرگم / اجتنابی<sup>۱۰</sup>، سه سبک هویتی بودند که برزونسکی (۱۹۹۰) به آنها اشاره کرد. ظاهراً انطباقی‌ترین سبک هویت، سبک اطلاعاتی است. سبک اطلاعاتی ترکیبی از جستجوی اطلاعات و سبک مقابله مسئله‌مدار، کاوش فعال، تعهد انعطاف پذیر و نیاز برای شناخت، و سطوح بالایی از عزت نفس را شامل می‌شود (برزونسکی، ۲۰۰۵).

سبک هنجاری به صورت تقلید و هم‌رنگی با جماعت نمایان می‌شود. این سبک شامل رویکرد ذهن بسته، تعهد سختگیرانه و کوتاه‌فکرانه، تصور از خود ایستا و ثابت، و بازداری از کاوش می‌شود. وقتی این افراد با تصمیم مهمی روبرو می‌شوند تمایل دارند که با یک منبع قدرت مشاوره بگیرند، همانطور که استانداردهای این منابع قدرت را همیشه می‌پذیرند و ادراک خویشتن این افراد مربوط به این استانداردها می‌شود. در این روش، افرادی که سبک هنجاری را به کار می‌برند می‌توانند از اطلاعاتی که با ادراک خویشتن‌شان متناقض باشد اجتناب کنند و بدین‌گونه در برابر تغییر هر چه

<sup>1</sup> Ellemers, Spears, Doosje

<sup>2</sup> Personal Identity

<sup>3</sup> Identity formation

<sup>4</sup> Identity style

<sup>5</sup> Coping mechanism

<sup>6</sup> Berzonsky

<sup>7</sup> Schwartz

<sup>8</sup> Informational identity

<sup>9</sup> Normative identity

<sup>10</sup> Diffuse-avoidant

بیشتر مقاومت کنند (شوارتز، ۲۰۰۶).

در نهایت، سبک اجتنابی- سردرگم با سهل‌انگاری و طفره‌روی و فرار از مسئولیت مشخص می‌شود. این سبک به بهترین وجه به صورت رویکرد حالی به حالی نسبت به زندگی شناسایی می‌شود و شامل یک راه‌کار مقابله هیجان‌مدار نسبت به مشکل می‌شود. سبک هویت اجتنابی- سردرگم با سطوح پایین از تعهد، سطوح پایین عزت نفس و ادراک از خویشتن مرتبط است. افراد اجتنابی- سردرگم عموماً توجه کمی به آینده و پیامدهای طولانی مدت انتخاب‌هایشان دارند. آنها به شق‌های دیگر رویدادها توجه ندارند و به شدت به چیزهایی گرایش دارند که اوضاع بیرونی به آنها دیکته کرده است که باید انجام دهند. افراد اجتنابی- سردرگم شکل ساده‌ای از کاوش را به کار می‌گیرند ولی این شکل بسیار در هم ریخته و تصادفی است (برزونسکی، ۲۰۰۵).

از طرف دیگر، هویت اجتماعی<sup>۱</sup>، به ساده‌ترین بیان، تعریفی است که افراد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارند. تمامی ویژگی‌ها و رفتارهایی که تمایزی میان ما و آنها می‌گذارند، مؤلفه‌های مفهوم هویت اجتماعی به شمار می‌روند، مثل زبان<sup>۲</sup>، دین<sup>۳</sup>، قوم<sup>۴</sup> یا نژاد، آداب و رسوم، طبقه اجتماعی، شغل، عضویت‌های فرقه‌ای و گروهی و غیره. تلاش برای شناسایی هویت اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرارپذیر کنش‌ها و نگرش‌های گروهی (ارمکی، چاوشیان، ۱۳۸۱).

بر حسب شیوه‌های فراوانی که مردم با دیگر گروه‌ها و طبقه‌های اجتماعی ارتباط برقرار می‌کنند، شکل‌های بسیاری از هویت اجتماعی وجود دارد. این اشکال هویت اجتماعی شامل: هویت دینی و قومی<sup>۵</sup> (مانند مسلمان، مسیحی، شیعه، سنی، ترک، فارس، کرد، بلوچ و...)، هویت جنسی<sup>۶</sup> (مانند زنانگی و مردانگی)، هویت گروهی<sup>۷</sup> (مانند ترجیح یک گروه اجتماعی به دیگر گروه‌ها)، هویت ملی<sup>۸</sup> (مانند تعلق خاطر داشتن و احساس‌های ناسیونالیستی به کشور خود)، هویت سیاسی<sup>۹</sup> (مانند لیبرال‌ها، فمینیست‌ها، اصلاح‌طلبان و...)، هویت شغلی<sup>۱۰</sup> (مانند روانشناس، هنرمند، ورزشکار، کادر نظامی و...)، ارتباطات فردی<sup>۱۱</sup> (مانند مادر، والد، نوجوان، بیوه و...)، و گروه‌های مارک‌دار (مانند افراد ایدزی، افراد بی‌خانمان، افراد چاق، الکلی‌ها و...). هر کدام از این هویت‌های اجتماعی خصوصیات مشترکی دارند که از انواع دیگر متمایز است (دئوکس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱).

<sup>1</sup> Social identity

<sup>2</sup> Language

<sup>3</sup> Religion

<sup>4</sup> Ethnic

<sup>5</sup> Religious and ethnic identity

<sup>6</sup> Gender identity

<sup>7</sup> Group identity

<sup>8</sup> National identity

<sup>9</sup> Politic identity

<sup>10</sup> Vocational identity

<sup>11</sup> Individual relations

<sup>12</sup> Deaux

مصرف در حقیقت یکی از راه‌کارهای مهم انسان امروز برای دستیابی به هویت و تمایز محسوب می‌گردد که جلوه‌های آن در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی امروز از نوع غذاهای مصرفی گرفته تا نحوه گذران اوقات فراغت و به طور کلی شیوه زندگی نمایان است.

بدین‌سان، بدن به منزله مستقیم‌ترین و در دسترس‌ترین قرارگاهی که می‌تواند حامل و نمایشگر تفاوت‌های شیوه زندگی و شکل‌های هویت باشد، اهمیت اساسی می‌یابد و جسم به یک اصل هویتی بدل می‌شود. بنابراین بازتابی بودن هویت در دوره اخیر مدرنیته و کنترل شکل‌های هویت به راحتی و مدیریت بدن به صورت فزاینده به عنوان روش‌های تشخیص تفاوت‌های میان شیوه‌های زندگی اهمیت و مرکزیت می‌یابند. پس تنظیم یا انضباط بدن / خود به این معناست که مسائل و موضوعات کلی‌تر مربوط به بازآفرینی خویشتن، حداقل تا حدی، از طریق دست‌کاری و دخل و تصرف در بدن به مثابه ابزار انتقال یا وسیله علائق شیوه زندگی، و لذا هویت فردی و جمعی به حد ظهور می‌رسد. در نتیجه، هویت فردی و اجتماعی امری انعطاف‌پذیر و برساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است که بیشتر بر اساس گزینش‌ها و تفسیرهای کنشگران ساخته می‌شود، نه آن که به واسطه موقعیت‌های ساختاری تعیین شود (احمدی، ۱۳۸۶).

با این افزایش اهمیت به «خود»، بدن به عنوان بارزترین حامل ویژگی‌های خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود چراکه تردیدی نیست که «خود» در بدن ما جای دارد. برای اینکه یاد بگیریم یک عامل صلاحیت‌دار باشیم - یا به عبارت دیگر، برای اینکه بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریک شویم - باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم. کنترل بدن اساسی‌ترین جنبه‌ی چیزی است که «نمی‌توانیم آن را با کلمات بیان کنیم» چون چارچوب لازم برای چیزی است که می‌توانیم بگوییم (یا به طرز معنادار بگوییم) (کارن و جری،<sup>۱</sup> ۲۰۰۸).

بر این اساس، مدیریت بدن<sup>۲</sup> به معنای نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است. این مفهوم به کمک معرف‌های کنترل وزن (از طریق ورزش، رژیم غذایی و دارو)، دست‌کاری پزشکی (جراحی بینی و پلاستیک) و میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (استحمام روزانه، آرایش مو، آرایش یا اصلاح صورت، استفاده از عطر و ادکلن و دئودورانت، آرایش ناخن و لنز رنگی برای خانم‌ها)، به یک شاخص تجمعی تبدیل شده است (ارمکی، چاوشیان، ۱۳۸۱). کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی‌ای است که شخص بوسیله آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می‌دارد و در عین حال «خود» نیز به طور کم و بیش ثابتی از ورای همین روایت در معرض تماشا و ارزیابی دیگران قرار می‌گیرد و همچنین مدیریت بدن می‌تواند به عنوان محملی برای شناسایی راهبردهایی برای تمایز مورد استفاده قرار گیرد. امروزه توجه به بدن به مثابه‌ی ابزار و رسانه‌ای برای نمایش هویت تبدیل شده است. بنابراین هدف کلی تحقیق، بررسی

<sup>1</sup> Karen, Jarry

<sup>2</sup> Body management

مدیریت بدن و هویت فردی و اجتماعی می‌باشد.

آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، در پژوهشی به بررسی تجربی فرضیه گسسته شدن شکل‌های هویت از موقعیت‌های ساختاری و پیوند آن با خصوصیات فرهنگی پرداختند. یافته‌های آنها بیانگر آن بود که سطوح گوناگون مدیریت بدن رابطه معناداری با متغیرهایی دارد که آشکارا دلالت فرهنگی دارند، این متغیرها شامل جنس، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت و نگرش سنتی به خانواده می‌شد. رقیبی و میناخانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مدیریت بدن با تصویر بدنی و خودپنداره پرداختند. نتایج آنها نشان داد که بین مدیریت بدن با مؤلفه‌های تصویر بدنی؛ ارزیابی وضع ظاهری، گرایش به ظاهر، ارزیابی تناسب و گرایش به تناسب ارتباط منفی و با رضایت از نواحی بدن ارتباط مثبت دارد. هم‌چنین یافته‌های آنها نشان داد که مدیریت بدن با خودپنداره مثبت ارتباط مثبت دارد. در پژوهشی رضایی، اینانلو و فکری (۱۳۸۹)، به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مدیریت بدن دانشجویان دختر پرداختند. نتایج آنها حاکی از آن بود که عواملی همچون مصرف گرایی، فشارهای اجتماعی و مصرف رسانه‌ای، تاثیر مستقیم بر رفتارهای مدیریت بدن دارند. فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷)، در پژوهش خود به میزان بالای مدیریت بدن در زنان شیرازی دست یافتند که حاکی از میزان بالای توجه زنان به بدن در همه‌ی وجوه آن اعم از آرایشی، مراقبت و... می‌باشد. هم‌چنین آنها نشان دادند که بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم و معنادار و بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن رابطه‌ی معکوس و معنادار وجود دارد. حیدری چروده و کرمانی (۱۳۹۰)، پژوهشی را به منظور دستیابی به درکی از باورهای زیباشناختی جوانان و تاثیر آن بر ماهیت تصویر ذهنی ایشان از بدنشان و نحوه‌ی مدیریت ظاهر در آنها انجام دادند. نتایج آنها نشان داد که باورهای زیباشناختی جوانان به دو دسته‌ی سنتی و نو تقسیم‌پذیر است و با تحول در باورهای زیباشناختی جوانان از صورت سنتی به وضع جدید، نارضایتی جوانان از تصویر موجود بدن افزایش می‌یابد و ایشان تمایل بیشتری به دستکاری در بدن، به منظور تحقق تصویر آرمانی از آن، نشان می‌دهند. نتایج دکائی (۱۳۸۶) نشانگر آن است که نوگرایی بروز یافته در جامعه‌ی ایران در حساسیت جوانان به کنترل و انضباط بر بدن و نیز حساسیت برای ارائه‌ی تصویر مطلوب موثر بوده است. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایده‌آل‌ها و هنجارهای غربی منتقل شده از طریق رسانه‌های جدید در خصوص بدن بر انگیزه‌ها و رفتارها و ایده‌آل‌های جوانان به ویژه دختران تاثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. شکر، تاجیک، دانشورپور، غنایی و دستجردی (۱۳۸۶)، نشان دادند که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی اثر مثبت معنادار؛ سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و معنادار و بر استقلال اثر منفی و معنادار؛ و سبک هویت سردرگم /اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف زندگی اثر منفی و معنادار دارد. هم‌چنین پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که هویت فردی با مدیریت و رسیدگی بر بدن (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱؛ کیوان آرا، ربانی و ژیانپور، ۱۳۸۹)، و کسب هویت فردی با بالیدگی روانی اجتماعی

و عملکرد تحصیلی بالا (برزونسکی و کوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، مقاومت در برابر آسیب‌پذیری روانی (یونگ، هچت و ویدزورث<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ لویکس<sup>۳</sup> و همکارانش، ۲۰۰۷)، راه‌کارهای مقابله‌ای سازگارانه (سوئنز، دیورایز و گوسنز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵)، دینداری (دیورایز، اسمیتز و گوسنز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸)، حمایت والدینی (اسمیتز<sup>۶</sup> و همکارانش، ۲۰۰۸)، تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی (شکری، تاجیک، دانشورپور، غنایی و دستجردی، ۱۳۸۶) ارتباط دارد.

نیازی و کارکنان (۱۳۸۶)، نشان دادند که سرمایه‌ی فرهنگی اثرات مستقیمی بر هویت اجتماعی جوانان داشته و با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی، هویت اجتماعی نیز تشدید می‌شود. آنها اشاره می‌کنند که سرمایه‌ی فرهنگی موجب می‌شود که افراد به گونه‌ای مناسب‌تر، خود و محیط اجتماعی خود را شناخته و به آن پایبند باشند. ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳)، در پژوهشی عواملی که زنان را به تامل در هویت‌های سنتی، مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی و بازتعریف هویت اجتماعی قادر می‌سازد را در دو سطح فردی و ساختاری مورد مطالعه قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که تحصیلات بیشترین تاثیر را در بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته، پس از آن ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت نقشی مسلط به ترتیب تاثیر بیشتری در بازتعریف هویت اجتماعی زنان دارند. زلفعلی فام و غفاری (۱۳۸۸)، اشاره می‌کنند که دختران جامعه ما سعی دارند با اتکاء به مراجع هویت‌ساز غیر سنتی چون تحصیل، شغل، کسب استقلال مالی از هویت اجتماعی سنتی که توسط خانواده‌ی پدرسالار برای آنها تعریف شده است یعنی، هویت اجتماعی سنتی گذر کنند و خودشان به صورت بازاندیشانه، هویت اجتماعی غیر سنتی را برای خویشتن در جامعه تعریف نمایند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هویت اجتماعی با مدیریت بدن (کیوان آراء، ربانی و ژیانپور، ۱۳۸۹؛ رضایی، اینانلو و فکری، ۱۳۸۹؛ و فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷) ارتباط دارد. بر این اساس سؤال‌های پژوهش حاضر بدین قرارند:

۱- آیا بین هویت فردی دانشجویان و میزان اهمیت مدیریت بدن آنها ارتباط معناداری وجود دارد؟

۲- آیا بین هویت اجتماعی دانشجویان و میزان اهمیت به مدیریت بدن آنها ارتباط معناداری

وجود دارد؟

## روش

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی از نوع همبستگی و ابزار پرسشنامه بسته، به بررسی وجود یا عدم رابطه‌ی معنادار بین متغیرها پرداخته و از تکنیک‌های آماری همبستگی پیرسون و

<sup>1</sup> Berzonsky & Kuk

<sup>2</sup> Jung, Hecht & Wadsworth

<sup>3</sup> Luyckx

<sup>4</sup> Soenens, Duriez & Goossens

<sup>5</sup> Duriez, Smits & Goossens

<sup>6</sup> Smits



رگرسون همزمان، برای بدست آوردن سهم هر یک از مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی در پیش‌بینی مدیریت بدن استفاده گردیده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر تمام دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بوده که در حدود ۲۱۰۰۰ نفر می‌باشند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است، بدین صورت که آزمودنی‌ها را از گروه‌های آموزشی مختلف (علوم انسانی، فنی مهندسی، علوم پایه و هنر و معماری) نمونه‌گیری کرده، سپس در مرحله‌ی بعدی کلاس‌هایی از گروه‌های مختلف به صورت تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه‌ها در کلاس پخش و مورد آزمون قرار گرفتند.

بر اساس اطلاعات فوق و فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۷۷ نفر برآورد شد که به خاطر کاهش میزان خطا و به منظور حذف پرسشنامه‌های غیرمعتبر نمونه تا ۴۰۰ نفر افزایش داده شد که نهایتاً ۳۸۵ پرسشنامه‌ی معتبر (۱۹۵ نفر دختر و ۱۹۰ نفر پسر) بدست آمد.

## ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور بالا بردن پایایی ابزار سنجش، آزمون مقدماتی انجام شد، بدین صورت که ابتدا برای روایی محتوای پرسشنامه‌های محقق ساخته‌ی مدیریت بدن و هویت اجتماعی، توسط تعدادی از اعضای هیئت علمی و اساتید روان‌شناسی و جامعه‌شناسی صاحب نظر در این حوزه مورد بررسی قرار گرفت و پس از رفع ناهمسانی‌های موجود، به فرم واحدی تبدیل شد. سپس این پرسش‌نامه‌ها بین ۵۲ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های مختلف دانشگاه سیستان و بلوچستان توزیع گردید، سپس با استفاده از آزمون تحلیل عاملی و سنجش پایایی به بررسی گویه‌های مقدماتی پرداخته و در نهایت با جرح و تعدیل گویه‌ها پرسش‌نامه‌ی نهایی تدوین شد. نهایتاً با استفاده از روش دو نیمه کردن و استفاده از فرمول اسپیرمن- براون، اعتبار پرسشنامه‌ی مدیریت بدن؛  $0/769$  و اعتبار پرسشنامه‌ی هویت اجتماعی (هویت دینی  $0/854$ ، هویت جنستی  $0/611$ ، هویت قومی  $0/815$ ، هویت گروهی  $0/647$ ، و هویت ملی  $0/790$ ) بدست آمد.

**پرسشنامه مدیریت بدن:** این پرسش‌نامه برای سنجش مدیریت بدن، توسط محقق ساخته شده بود. این پرسشنامه شامل ۱۱ سوال بود که یک نمره‌ی کلی را برای هر فرد بدست می‌داد. این پرسش‌نامه توسط سوال‌هایی درباره کنترل وزن از طریق ورزش و مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (استحمام روزانه، اصلاح و آرایش مو، اصلاح و آرایش صورت، استفاده از عطر و ادکلن و دئودورانت و - فقط در مورد خانم‌ها- آرایش ناخن) سنجیده می‌شد. این گویه‌ها از تعاریف مربوط به مدیریت بدن و مدیریت ظاهر در مقاله‌ها و کتاب‌های موجود استخراج شدند. در این پرسش‌نامه از افراد خواسته می‌شد تا میزان اهمیت به هر یک از مراقبت‌های بهداشتی آرایشی را در یک مقیاس چهار گزینه‌ای از بی‌اهمیت تا بسیار زیاد علامت‌گذاری کنند، که بر اساس طیف لیکرت

از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شد. آلفای کرونباخ این پرسش نامه پس از اجرای نهایی برابر با ۰/۷۱۳ بدست آمد. یک نمونه از سؤالات پرسشنامه به این شرح است؛ میزان اهمیت به آرایش صورت (برای خانم‌ها) و میزان اهمیت به استفاده از ژل بعد از اصلاح (برای آقایان).

پرسشنامه سبک‌های هویت؛ پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G) برزونسکی (۱۹۸۹)، سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برزونسکی (b1992) پایایی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی را  $0/62 = \alpha$ ، مقیاس هنجاری  $0/66 = \alpha$  و مقیاس سردرگم یا اجتنابی را  $0/73 = \alpha$  گزارش کرده است. غضنفری (۱۳۸۷) پایایی پرسشنامه سبک‌های هویت را برای سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، و سبک هویت سردرگم یا اجتنابی به ترتیب برابر با  $0/67$ ،  $0/52$ ، و  $0/62$  بدست آورد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه برای سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، و سبک هویت سردرگم یا اجتنابی به ترتیب برابر با  $0/64$ ،  $0/59$ ، و  $0/57$  بدست آمد که ضرایب قابل قبولی می‌باشند.

**پرسشنامه هویت اجتماعی:** این پرسشنامه برای سنجش هویت اجتماعی افراد اعم از هویت دینی، هویت جنسی، هویت قومی، هویت گروهی و هویت ملی، توسط محقق ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۱۹ سوال می‌باشد که سهم هر یک از زیرمقیاس‌ها شامل؛ ۶ سوال برای زیرمقیاس هویت دینی، ۵ سوال برای زیرمقیاس هویت جنسی، ۴ سوال برای زیرمقیاس هویت قومی، ۴ سوال برای زیرمقیاس هویت گروهی، و ۵ سوال برای زیرمقیاس هویت ملی می‌باشد که به صورت طیف لیکرت ۵ نمره‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شد. آلفای کرونباخ آزمون پس از اجرای نهایی برابر با؛ هویت دینی  $0/748$ ، هویت جنسیتی  $0/579$ ، هویت قومی  $0/659$ ، هویت گروهی  $0/612$ ، و هویت ملی  $0/837$  بدست آمد که ضرایب قابل قبولی برای آزمون می‌باشند. چند نمونه از سؤالات پرسشنامه به این شرح است: هویت دینی؛ دستورات دینی در مورد تمام مسائل زندگی قابل پیاده شدن است، هویت جنسی؛ یک مرد نمی‌تواند یک زن را به خوبی درک کند (برای خانم‌ها) و یک زن نمی‌تواند یک مرد را به خوبی درک کند (برای آقایان)، هویت قومی؛ اگر فرزندی داشته باشم، ترجیح می‌دهم که با هم قوم خود ازدواج کند، هویت گروهی؛ من بیشتر تمایل دارم با دوستانم باشم تا خانواده‌ام، و هویت ملی؛ آدم در کشور خودش هر چقدر هم سختی بکشد، بهتر از رفتن به خارج است.

روش اجرا و تحلیل؛ پرسشنامه‌های پژوهش پس از توزیع و ارائه توضیحات لازم، به صورت خودگزارش‌دهی پاسخ داده شدند. داده‌ها از طریق محاسبه‌ی ضریب همبستگی پیرسون<sup>۱</sup> و تحلیل رگرسیون همزمان<sup>۲</sup>، با استفاده از بسته‌ی آماری برای علوم اجتماعی نسخه‌ی ۱۶<sup>۳</sup> بررسی گردید.

<sup>1</sup> Pearson's correlation coefficient

<sup>2</sup> Enter regression analysis

<sup>3</sup> Statistical Package for Social Sciences-Version16 (SPSS16)

## یافته‌ها

بررسی متغیرهای دموگرافیک آزمودنی‌ها

جدول ۱- فراوانی و درصد جنسیت، دامنه‌ی سنی، مقاطع و گروه‌های تحصیلی آزمودنی‌ها

فراوانی	درصد		
۱۹۵	۵۰/۶	زن	جنسیت آزمودنی‌ها
۱۹۰	۴۹/۴	مرد	
۲۱۰	۵۴/۵	۱۸ تا ۲۱ سال	سن آزمودنی‌ها
۱۱۴	۲۹/۶	۲۲ تا ۲۵ سال	
۶۱	۱۵/۹	۲۶ سال و بیشتر	
۲۰	۵/۲	کاردانی	مقاطع تحصیلی آزمودنی‌ها
۲۷۳	۷۰/۹	کارشناسی	
۷۵	۱۹/۵	کارشناسی ارشد	
۱۷	۴/۴	دکترای تخصصی	
۱۳۲	۳۴/۳	علوم انسانی	گروه‌های تحصیلی آزمودنی‌ها
۱۱۲	۲۹/۱	علوم پایه	
۱۰۴	۲۷	فنی و مهندسی	
۳۷	۹/۶	هنر و معماری	
۳۸۵	۱۰۰	کل	

سؤال اول: آیا بین هویت فردی دانشجویان و میزان اهمیت مدیریت بدن در آنها ارتباط معنادار وجود دارد؟

برای آزمون سؤال اول نمرات دانشجویان در متغیرهای مدیریت بدن و هویت فردی، با استفاده از آزمون آماری همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲- همبستگی پیرسون بین مدیریت بدن و سبک‌های هویت فردی (n= ۳۸۵)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	مدیریت بدن همبستگی
سبک اطلاعاتی	۳۸/۶۴۹۴	۵/۳۶۳۷۶	*.۰/۱۱۹
سبک هنجاری	۲۹/۲۰۰۰	۴/۴۱۳۹۹	.۰/۰۸۲
سبک اجتنابی / سردرگم	۲۴/۳۱۹۵	۵/۱۲۸۹۹	.۰/۰۴۸

\* p<0.05

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد مدیریت بدن تنها با سبک هویت اطلاعاتی در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد ارتباط ( $r=۰/۱۱۹$ ) مثبت معنادار دارد و با سبک‌های هویت هنجاری ( $r=۰/۰۸۲$ ) و سردرگم /اجتنابی ( $r=۰/۰۴۸$ ) ارتباط معناداری ندارد.

سؤال دوم: آیا بین هویت اجتماعی دانشجویان و میزان اهمیت به مدیریت بدن در آنها ارتباط معنادار وجود دارد؟

برای آزمون سؤال دوم نمرات دانشجویان در متغیرهای مدیریت بدن و مؤلفه‌های هویت اجتماعی، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳- همبستگی پیرسون مربوط به ارتباط بین مدیریت بدن و مؤلفه‌های هویت اجتماعی (n=۳۸۵)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	مدیریت بدن همبستگی
هویت اجتماعی (کلی)	۷۴/۰۳۹۰	۹/۸۱۹۷۸	-۰/۰۴۴
هویت دینی	۲۳/۰۴۱۶	۴/۶۱۹۷۴	-۰/۰۷۱
هویت جنسی	۱۶/۰۵۴۵	۳/۴۲۵۴۹	۰/۰۶۹
هویت قومی	۷/۹۳۷۷	۲/۹۱۵۷۰	۰/۰۰۹
هویت گروهی	۹/۱۹۷۴	۲/۷۸۶۲۲	۰/۰۷۴
هویت ملی	۱۷/۸۰۷۸	۴/۹۰۴۷۶	*-۰/۱۱۶

\* p<0.05

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، مدیریت بدن تنها با هویت ملی ارتباط منفی (r=-۰/۱۱۶) معنادار دارد، و با هویت دینی (r=-۰/۰۷۱)، هویت جنسی (r=۰/۰۶۹)، هویت قومی (r=۰/۰۰۹) و هویت گروهی (r=۰/۰۷۴) ارتباط معناداری ندارد.

برای بدست آوردن سهم هر یک از مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی در پیش بینی مدیریت بدن از آزمون آماری رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج با توجه به سطح معناداری نشان داد که (R<sup>۲</sup>=۰/۰۳۵) مجذور R تنظیم شده و (P<۰/۰۰۵ و F=۲/۷۴۸) این مدل ۳/۵ درصد از واریانس را توجیه می‌کند. جدول ۴ اطلاعاتی را در مورد متغیرهای پیش بینی که در مدل وارد شده‌اند را ارائه می‌دهد.

جدول ۴- ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای موجود در مدل

مدل	متغیر	B	SE B	β
۱	هویت ملی	-۰/۱۶۲	۰/۰۷	*-۰/۱۴۶
۲	سبک اطلاعاتی	۰/۱۲۵	۰/۰۶	*۰/۱۲۳
۳	سبک هنجاری	۰/۰۱۶	۰/۰۶	۰/۱۲۱
۴	هویت جنسی	۰/۱۱۷	۰/۰۹	۰/۰۷۴
۵	هویت دینی	-۰/۰۷۶	۰/۰۸	-۰/۰۶۴
۶	هویت گروهی	۰/۰۸۵	۰/۱۰	۰/۰۴۳
۷	هویت قومی	۰/۰۳۷	۰/۱۰	۰/۰۲۰
۸	سبک اجتنابی	۰/۰۱۶	۰/۰۶	۰/۰۱۵

\* p<0.05

جدول ۴ سهم هر یک از متغیرها را در پیش‌بینی مدیریت بدن نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود هویت ملی ( $\beta = -0/146$ ) و سبک اطلاعاتی ( $\beta = 0/123$ ) بهترین پیش‌بین‌های مدیریت بدن می‌باشند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به این موضوع می‌پردازد که «آیا بین مدیرین بدن و صورت‌بندی هویت فردی و اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد؟» بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش که با آزمون آماری همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت؛ بین سبک‌های هویت فردی و مدیریت بدن، تنها سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مثبت معناداری ( $r = 0/119$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصدی با مدیریت بدن دارد، بدین معنا که با بالا رفتن و کسب هویت اطلاعاتی، افراد تمایل و گرایش بیشتری به رفتارهای مدیریت بدن از خود نشان می‌دهند و بالعکس. بنابراین افراد با مدیریت بدن بالا از انطباق‌ترین سبک هویت، یعنی سبک اطلاعاتی استفاده می‌کنند که این سبک، ترکیبی از جستجوی اطلاعات و سبک مقابله مسئله‌مدار، کاوش فعال، تعهد انعطاف‌پذیر و نیاز برای شناخت، و سطوح بالایی از عزت نفس را شامل می‌شود.

این نتایج همسو با این نتایج آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، و کیوان آرا، ربانی و ژبانپور (۱۳۸۹) است که نشان دادند مدیریت و رسیدگی بر بدن با هویت فردی افراد ارتباط دارد و سطوح گوناگون مدیریت بدن رابطه معناداری با متغیرهایی دارد که آشکارا دلالت فرهنگی دارند، این متغیرها شامل جنس، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت و نگرش سنتی به خانواده می‌شد. همچنین یافته‌های این پژوهش همسو با این نتایج است که سبک هویت اطلاعاتی با بالیدگی روانی اجتماعی و عملکرد تحصیلی بالا (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵)، مقاومت در برابر آسیب‌پذیری روانی (یونگ، هچت و ویدزورث، ۲۰۰۷؛ لوئیکس و همکارانش، ۲۰۰۷)، راه‌کارهای مقابله‌ای سازگاران (سوئنز، دیورایز و گوسنز، ۲۰۰۵)، دینداری (دیورایز، اسمیتز و گوسنز، ۲۰۰۸)، حمایت والدینی (اسمیتز و همکارانش، ۲۰۰۸)، باورهای زیباشناختی و تصویر بدنی (حیدری چروده و کرمانی، ۱۳۹۰)، و تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی (شکری، تاجیک، دانشورپور، غنایی و دستجردی، ۱۳۸۶) ارتباط معنادار دارد. تبیین احتمالی در مورد این یافته‌ها این است که افرادی که به طور مستمر به نظارت و دستکاری ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن خود می‌پردازند دارای نوعی نیاز به شناخت و حفظ تعاملات اجتماعی هستند که به کاوش الگوهای ارتباطی اطراف خود می‌پردازند. با توجه به اینکه ظاهر، یکی از شیوه‌های بسیار برجسته برای نمایش و تقویت خودپنداره است، از اینرو بی دلیل نیست، اگر که فردی زمان، انرژی و منابع گسترده و وافر را برای رسیدگی به ظاهر خود صرف کند.

همچنین پژوهش حاضر نشان داد که بین مؤلفه‌های هویت اجتماعی و مدیریت بدن، تنها هویت ملی ( $r = -0/116$ ) ارتباط منفی معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصدی با مدیریت بدن دارد.

بدین معنا که با کاهش هویت ملی افراد، رفتارهای مدیریت بدن اعم از دست‌کاری و نظارت بر بدن افزایش می‌یابد و بالعکس. بنابراین افرادی که مدیریت بدن بالایی دارند به طور خاص با هویت ملی خود نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند، چنانکه نتیجه‌ی این عدم ارتباط می‌تواند به جدایی فرد از اجتماع منجر شود که فرد را در یک حالت بی‌تفاوتی و گاهاً انزجار از ملیت و کشور خود قرار می‌دهد. این تفرد و جدایی می‌تواند برای فرد و جامعه آسیب‌رسان باشد، به طوری که این احساس جدایی را می‌توان به صورت ناهشیارانه و با دید روانکاوی نوعی جدایی فرد از آغوش مادر و به طبع آن تعارضی که فرد از مادر و در این‌جا کشور و ملیتش به عنوان منشاء تولد و از طرفی ارضای نیازهایی که از طرف این منشاء لذت برطرف نمی‌شود، در نظر گرفت که فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که به اضطراب جدایی شبیه بوده و بنابراین فرد را دچار نوعی نوروژ روانشناختی خواهد کرد. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که مدیریت بدن با هویت دینی ( $r = -0/071$ )، هویت جنسی ( $r = 0/069$ )، هویت قومی ( $r = 0/009$ ) و هویت گروهی ( $r = 0/074$ ) ارتباط معناداری ندارد. همچنین نتایج رگرسیون همزمان نشان داد که هویت ملی ( $\beta = -0/146$ ) و سبک اطلاعاتی ( $\beta = 0/123$ ) بهترین پیش‌بین‌های مدیریت بدن می‌باشند. این نتایج همسو با یافته‌های کیوان آراه، ربانی و ژیانپور (۱۳۸۹)، رضایی، اینانلو و فکری (۱۳۸۹)، فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) و ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳) است که نشان دادند نظارت و دست‌کاری بدن با هویت اجتماعی افراد ارتباط دارد. نتایج رضایی، اینانلو و فکری (۱۳۸۹) حاکی از آن بود که عواملی اجتماعی همچون مصرف‌گرایی، فشارهای اجتماعی و مصرف رسانه‌ای، تاثیر مستقیم بر رفتارهای مدیریت بدن دارند. فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) نشان دادند که بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم و معنادار و بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن رابطه‌ی معکوس و معنادار وجود دارد. ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳) نشان داد که تحصیلات بیشترین تاثیر را در بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته، پس از آن ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت نقشی مسلط به ترتیب تاثیر بیشتری در بازتعریف هویت اجتماعی زنان دارند. آنها همچنین اشاره می‌کنند که موقعیت ساختاری در مقایسه با هویت شخصی تاثیر بیشتری بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته و از میان دو عامل اشتغال و تحصیلات، تحصیلات که زنان را به منابع فرهنگی هویت ساز مجهز می‌کند بیشتر از اشتغال که تامین‌کننده‌ی استقلال و منابع مادی هویت سازی است بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان و مقاومت آن‌ها در برابر باورهای کلیشه‌ای مبتنی بر جنسیت تاثیر دارند. تبیین احتمالی این یافته می‌تواند احساس عدم تعلقی باشد که افراد با مدیریت بدن بالا و فشاری که از سوی اجتماع بر این رفتار تحمیل می‌گردد، قرار می‌گیرند که فرد را در حالت انزجاری قرار می‌دهد که منشاء آن را گاهاً ملیت خود می‌داند.

به طور کلی به نظر می‌رسد دنیای امروز، ما بیش از پیش مسئول طراحی بدن‌های خویش می‌شویم و هر چه محیط فعالیت‌های اجتماعی ما از جامعه سنتی بیشتر فاصله گرفته باشند، فشار این مسئولیت را بیشتر احساس می‌کنیم. نکته‌ی مهم این است که تاکید فزاینده بر مدیریت بدن

(رژیم غذایی، اهمیت ورزش در حفظ شادابی و تناسب اندام، آرایش و جراحی صورت و بدن) و نیز مسئولیت اخلاقی در قبال حفاظت از بدن و نمایاندن بدن به مثابه‌ی یک تصویر نشانگر شکل‌های مدرن تمایز و تشخیص اجتماعی است. و دیگر اینکه نظارت و تنظیم و تعدیل دقیق بدن را می‌توان داستان یا روایتی دانست که فرد از چگونگی زیستن خود در چارچوب‌های متفاوت زندگی جمعی نقل می‌کند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به اجرای آن در جامعه دانشجویی اشاره کرد و بنابراین در تعمیم‌دهی نتایج این پژوهش به جوامع دیگر و غیر دانشگاهی، احتیاط لازم باید صورت گیرد. همچنین با توجه به اینکه یافته‌های این پژوهش مبتنی بر سنجش ارتباط می‌باشند، باید از نتیجه‌گیری علت و معلولی از آن پرهیز و یا احتیاط نمود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در جامعه دانشجویی صورت گرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در جوامع غیر دانشجویی صورت گیرد تا نتایج قابل تعمیم باشد. همچنین پژوهش‌هایی با دامنه سنی و قومیت‌های مختلف می‌تواند نتایج مفیدی در بر داشته باشد.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۱۶، ۵۷-۷۵.
- احمدی، طیب. (۱۳۸۶). مدیریت بدن و هویت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه گیلان.
- حقگوی پشکه، آزاده. (۱۳۸۶). بررسی انسان‌شناختی فرهنگ حاکم بر مدیریت بدن در بین زنان شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۶، ۷ و ۱۹ شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مردم‌شناسی. دانشگاه تهران.
- ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۶). جوانان، بدن و فرهنگ تناسب. *فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی*. شماره ۱، ۱۱۷-۱۴۱.
- رضایی، احمد؛ اینانلو، مریم؛ فکری، محمد. (۱۳۸۹). مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران. *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۴۷، ۱۴۱-۱۶۳.
- رقیبی، مهوش؛ میناخانی، غلامرضا. (۱۳۹۰). ارتباط مدیریت بدن با تصویر بدنی و خودپنداره. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. سال دوازدهم، شماره ۴، ص ۸۱-۷۲.
- زلفعلی فام، جعفر؛ غفاری، مظفر. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*. شماره ۳، ۱۲۱-۱۴۰.
- ساروخانی، باقر؛ رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۳-۱۶۰.

شکری، امید؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزا...؛ دانشورپور، زهره؛ غنایی، زیبا؛ دستجردی، رضا. (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت. *تازه‌های علوم شناختی*. شماره ۲، ۳۳-۴۶.

فاتحی، ابولقاسم؛ اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه‌ی موردی زنان شیراز). *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۴۱، ۱-۳۳.

کیوان پور، محمود؛ ربانی، رسول؛ ژیانپور، مهدی. (۱۳۸۹). قشربندی اجتماعی و اصلاح بدن: جراحی زیبایی به مثابه نماد پایگاه اجتماعی. *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۴۷، ۷۳-۹۲.

حیدری چروده، مجید؛ کرمانی، مهدی. (۱۳۹۰). رابطه‌ی باورهای زیباشناختی با تصویر ذهنی از بدن و نحوه‌ی مدیریت ظاهر در جوانان جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن شهر مشهد. *مطالعات اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۴، ص ۳۰-۴۹.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

نیازی، محسن؛ کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. *فصلنامه مطالعات فرهنگی*، شماره ۳، ۵۵-۸۰.

Berzonsky, Michael D.; Kuk, Linda S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*. 39. 235-247.

Deaux, Kay. 2001. Social Identity. *Encyclopedia of Women and Gender*, 1&2. 32-41.

Duriez, Bart; Smits, Ilse; Goossens, Luc. (2008). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences*. 44. 1022-1031.

Ellemers, N, Spears, R, Doosje, B. (2002). Self and Social Identity. *Annu. Rev. Psychol.* 53:161-86.

Jung, Eura; Hecht, Michael L.; Wadsworth, Brooke Chapman. (2007). The role of identity in international students' psychological well-being in the United States: A model of depression level, identity gaps, discrimination, and acculturation. *International Journal of Intercultural Relations*. 31. 605-624.

Karen Ip; Jarry, Jose'e L. (2008). Investment in body image for self-definition results in greater vulnerability to the thin media than does investment in appearance management. *Body Image*. 5. 59-69.

Luycx, Koen; Soenens, Bart; Berzonsky, Michael D.; Smits, Ilse; Goossens, Luc; Vansteenkiste, Maarten. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Personality and Individual Differences*. 43. 1099-1111.

Schwartz, Seth J. (2001). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration. *an international journal of theory and research*, 1(1), 7-58.



Schwartz, Seth J. (2006). Predicting identity consolidation from self-construction, eudaimonistic self-discovery, and agentic personality. *Journal of Adolescence*. 29. 777–793.

Smits, Ilse; Soenens, Bart; Luyckx, Koen; Duriez, Bart; Berzonsky, Michael; Goossens, Luc. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity-relevant information. *Journal of Adolescence*. 31. 151–164.

Soenens, Bart; Duriez, Bart; Goossens, Luc. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*. 28. 107–125.